

یک روز در المپیا پارک نماد آلمان نوین

آلمان در سال ۱۹۷۲ میلادی، میزبان المپیک تابستانی بود و «المپیا پارک» مونیخ با معماری شگفت انگیز، هزینه یاد و کاربری متنوعش یاد گاری است از آن دوره که هدف از ساختش ارائه تصویری صلح طلب از آلمان بعد جنگ جهانی بود؛ حالا این منطقه نقش محوری در حال جسمی و روحی مردم و حتی توسعه شهر دارد؛ این پرونده با تصاویر اختصاصی روایتی است از آن



سید مجتبی پروانه جلیلی

پرونده

کشور آلمان تا به حال دو بار میزبان المپیک تابستانی بوده؛ اولین بار برلین در سال ۱۹۳۶ میلادی و بار دوم هم مونیخ در سال ۱۹۷۲، دهکده و استاد یوم های محل برگزاری مسابقات هم در هر دو شهر هنوز باقی است و میزبان ورزش همگانی و حرفه ای، پیش از آن که به مونیخ نقل مکان کنیم، چند سالی در برلین زندگی کردم. تجربه ای که به رغم جذابیت هایش، با حسرت هایی هم همراه بود. یکی از این حسرت ها، باز دید از استاد یوم المپیک برلین بود. کمی پس از نقل مکان به پایتخت، دنیا با بحران همه گیری کرونا مواجه شد و تمامی فضا های فرهنگی، ورزشی و عمومی تعطیل شد. در نهایت فرصت باز دید از این بنای تاریخی از دست رفت و تا پایان اقامت هم دیگر فراهم نشد. بعد از این تجربه بود که وقتی برای کار جدید به مونیخ رفتم، باز دید از «المپیا پارک» (Olympiapark) را در ابتدای فهرست برنامه هایم برای کشف شهر جدید قرار دادم. خوش شانسی این جا بود که خانه ای که به صورت آنلاین اجاره کرده بودم، تنها ۳۰ دقیقه پیاده روی تا این مجموعه فاصله داشت. برای شهری که به لحاظ هزینه های مسکن یکی از گران ترین ها در آلمان و حتی اروپا به شمار می رود، چنین نزدیکی ای را می توان امتیازی بزرگ دانست. در همان روز نخست ورودم به مونیخ، بدون لحظه ای تردید راهی پارک شدم. آن چه در این پرونده می خوانید تجربه من از حضور در این مکان است.

ماجرای تماشای مسابقات اسپار تان در المپیا پارک



سجنش توانایی، غلبه بر ترس، و رهایی از فشار روزمره بود. برخی هم تنها به خاطر فضای زیبای پارک و هوای بی نظیر آن روز آمده بودند تا از یک روز خاص، تجربه ای ماندگار بسازند. در مجموع، شرکت در مسابقه اسپار تان در المپیا پارک مونیخ، تجربه ای فراتر از یک رقابت ورزشی بود. این رویداد نه تنها توانایی های فیزیکی و ذهنی شرکت کنندگان را به چالش کشید، بلکه فرصتی برای همبستگی، دوستی و تجربه ای فرهنگی فراهم کرد که تا مدت ها در ذهنم باقی خواهد ماند.

بیش از همه در خاطر م ماند، صف بلند ثبت نام بود. از ساعت ۹ صبح تا حوالی ظهر، این صف همچنان وجود داشت. صف طولانی می شد ولی کوتاه تر نمی شد و تا ظهر که من آنجا بودم استقبال بی نظیر بود. گفت و گوهایی که با برخی شرکت کنندگان داشتم، نشان می داد که برای بسیاری از آن ها، این مسابقه فرصتی برای



برگزاری مسابقات بزرگ ورزشی (فوتبال، دو و میدانی، تنیس و...) و کنسرت های بزرگ موسیقی، جشنواره ها و نمایشگاه ها استفاده می شود. پارک و فضا های سبز آن پاتوق مردم شهر مونیخ برای تفریح، دوچرخه سواری، پیک نیک و پیاده روی است، برای همین نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی جامعه دارد. برج المپیک هم با چشم انداز ۳۶۰ درجه و رستوران گردان همچنان یکی از جذاب ترین جاذبه های گردشگری مونیخ است.



بالا رفتن از دیوار های عمودی شرکت کنندگان باید از دیوار های بلند بالا بروند که نیازمند قدرت بالای بالاتنه و تکنیک مناسب است. خریدن زیر سیم خاردار این مانع نیازمند حرکت در حالت خوابیده و عبور از زیر سیم های خاردار است. **حمل اشیاء سنگین** مانند حمل سطل های پر از شن یا کشیدن لاستیک های بزرگ، پرتاب نیزه شرکت کنندگان باید نیزه های را به هدف مشخصی پرتاب کنند. **بالا رفتن از طناب** بالا رفتن از طناب های بلند تار سیدن به زنگ در بالای آن.

پرش از روی آتش یکی از موانع جالب و نمادین مسابقه، پرش از روی آتش بود که در چند متر مانده به خط پایان قرار داشت. این مانع برای من یادآور مراسم چهارشنبه سوری در ایران بود؛ جایی که ما از روی آتش می پریم و این عمل نمادی از پاک سازی و تجدید حیات است. دیدن این شباهت فرهنگی در دل یک مسابقه بین المللی، برایم تجربه ای خاص و خاطره انگیز بود.

ترکیب جالب شرکت کنندگان

در این مسابقه، شرکت کنندگان از گروه های متنوعی آمده بودند: تیم های باشگاهی، همکاران شرکت ها، دوستان قدیمی، و حتی خانواده ها. چیزی که

در یکی از روزهای بهاری با آسمانی صاف و آفتابی، در حالی که هوا به ندرت چنین دلپذیر و ملایم می شود، المپیا پارک مونیخ میزبان یکی از رویدادهای بین المللی و پر شور ورزشی بود یعنی مسابقات اسپار تان (Spartan Race) که یکی از مشهورترین و چالش برانگیزترین رقابت های موانع در جهان است. این مسابقات در سال ۲۰۱۰ توسط جودی سناردت از ایالت ورمونت آمریکا بنیان گذاری شد و هدف از آن آزمایش توانایی های فیزیکی و ذهنی شرکت کنندگان است. این چالش جالب در سه سطح برگزار می شود حدود ۵ کیلومتر، ۱۰ کیلومتر و در نهایت ۲۱ کیلومتر. علاوه بر این، مسابقات ویژه ای برای کودکان هم برگزار می شود که شامل مسیرهای کوتاه تر و موانع متناسب با سن آن ها است. این مسابقه تلاشی است برای عبور از موانع فیزیکی و ذهنی. شرکت کنندگان باید از دیوار های بلند بالا بروند، کیسه های شنی سنگین را حمل کنند، از تورهای فلزی بالا روند، از روی موانع آبی عبور کنند، و در پایان، از روی آتشی روشن بپرند.

موانع رایج در مسابقات اسپار تان

موانع طراحی شده در مسابقات اسپار تان به گونه ای هستند که شرکت کنندگان را از نظر قدرت بدنی، استقامت، تعادل و مهارت های ذهنی به چالش می کشند. برخی از موانع رایج عبارت اند از:

تلفیقی از تاریخ، طراحی و زندگی شهری

اطراف اجرا شود، اجرای آن در دل خود ورزشگاه برایم یادآور نگاه تجاری خلا قانه و کارآمدی بود که حتی از کوچک ترین ظرفیت ها هم درآمزی می کند. **برج المپیک** در بخش شمالی پارک قرار دارد، با ارتفاع ۲۹۱ متر، یکی از بلندترین سازه های شهر مونیخ به شمار می رود. برای من، که تجربه بازدید از برج میلاد تهران را دارم، مقایسه این دو سازه از نظر فنی جالب بود. برج میلاد با ارتفاع ۴۳۵ متر بلندتر است، اما از لحاظ موقعیت مکانی، دسترسی شهری، طراحی داخلی، و به ویژه نمای پانورامایی که از بالای برج المپیک قابل مشاهده است، فضای بسیار متفاوت تری دارد. رستوران گردان برج، سکوی بازدید و چشم اندازی که از کوه های آلپ در روزهای صاف قابل رؤیت است، تجربه ای ماندگار برای هر بازدید کننده ایجاد می کند. **سالن شنا** از میان فضاهای ورزشی پارک، سالن شنا المپیک برای من تجربه ای کاملاً متفاوت و تأثیرگذار داشت. در همان بازدید نخست، شیفته معماری آن شدم: سقف نیم شفاف، نور طبیعی فراوان، سکوی تماشاگران، و نظم و تمیزی مثال زدنی فضا. برخلاف بسیاری از استخرهای سرپوشیده، سالن شنا المپیک حس بسته بودن ندارد. به دلیل طراحی منحصر به فرد آن، ارتباطی حسی میان فضای داخلی و بیرونی برقرار شده است.

دریاچه مصنوعی در کنار عناصر معماری و ورزشی، طبیعت المپیا پارک وجهی دیگر از جذابیت این فضا است. دریاچه مصنوعی پارک، با حضور قوها، غازها و اردک ها، منظره ای دل نشین و در عین حال تأمل برانگیز ارائه می دهد. آن چه بیش از همه برای من جالب بود، همزیستی سالمات آمیز این پرندگان با انسان ها است، بی هیچ نشانی از ترس یا مزاحمت. قوها در ست در مسیر پیاده رو ها آفتاب می گیرند، غازها در چمنزارها می چرند و اردک ها با آرامش در امتداد مسیرهای دوچرخه سواری شنا می کنند. این آرامش، بی شک تنها صراف حاصل طبیعت نیست، بلکه از قوانین سخت گیرانه آلمان در زمینه حقوق حیوانات هم ناشی می شود. طبق قوانین کیفری آلمان، هر گونه آزار، صدمه یا کشتن حیوانات بدون دلیل قانونی مشخص، می تواند با جریمه های سنگین نقدی و حتی حبس تا سه سال همراه باشد. این چارچوب حقوقی، همراه با فرهنگ عمومی احترام به طبیعت، سبب شده است که حیوانات وحشی در محیط های شهری احساس امنیت کنند.

«المپیا پارک» مونیخ یکی از نمونه های نادر در جهان است که یک فضای المپیکی نه تنها حفظ شده، بلکه با زندگی شهری مدرن آمیخته شده است. این مجموعه در آستانه بازی های المپیک تابستانی ۱۹۷۲، با هدف ارائه چهره ای تازه و مثبت از آلمان غربی طراحی و ساخته شد. مسئولیت طراحی آن بر عهده تیمی از معماران نوگرا چون فرای اوتو، گونتر بنیش و لئوناردو سالی بود؛ افرادی که تلاش کردند معماری ای را خلق کنند که در عین سادگی، جسورانه و شفاف باشد. نتیجه این رویکرد، سازهایی با سقف های کششی، نیمه شفاف و موج دار بود که همچون چادری مدرن، بر فراز استادیوم، سالن شنا و فضاهای اطراف گسترده شده اند. این طراحی بعدها الهام بخش بسیاری از سازه های معاصر شد و هنوز هم پس از پنج دهه، جلوه ای تازه دارد. پارک مساحتی نزدیک به ۸۵۰ هزار متر مربع را در شمال مونیخ در بر می گیرد. عناصر اصلی آن شامل:



نخستین نقاطی بود که در پارک توجه مرا جلب کرد. سقف شفاف و سازه ای موج دار آن، از نمونه های برجسته معماری کششی مدرن است. اما آن چه در بازدید من بیش از طراحی توجه برانگیز این بنا چشم را گرفت، راه اندازی یک زیپ لاین بود که از یک سو به سوی دیگر ورزشگاه کشیده شده بود. تجربه ای کوتاه، شاید کمتر از ۳۰ ثانیه، اما هوشمندانه تبدیل به منبع درآمدی ثابت شده بود. برای من، این نمونه ای روشن از فرهنگ بهره برداری مؤثر و از فضاهای عمومی بود. مدلی که در بسیاری از جوامع غربی دیده می شود و متأسفانه در ایران کمتر شاهد آن هستیم. در حالی که انتظار داشتم چنین زیپ لاینی بر فراز دریاچه یا فضای طبیعی

